

«ما موزه صلحی در پارک شهر داریم و باعث تأسف من است‌که تنها چهار ماه است که آنجا را شناخته‌ام و باعث تأسفم است‌که خیلی‌ها اینجا را نمی‌شناسند؛ اما بسیاری از جاهای دیگر مانند فلان بیتزافروشی یا فلان مغازه را به خوبی می‌شناسند.» این‌ها را پرویز پرستویی می‌گوید که به همراه غیث اعزامی به «جبروشیم» برای حضور در سالگرد حمله اتمی آمریکا به زاین سفر کرده بود. او که در ۲۶ مردادماه در موزه صلح سخن می‌گفت، می‌افزاید: «امسال، دهمین سالی بود که موزه صلح این سفر را تدارک دید و افتخار داشتیم در کنارشان باشیم و امیدوارم این آخرین سفر ما نباشد؛ چرا که تازه یاد گرفتیم چگونه باید ارزش‌ها را پاس بداریم.» پرویز پرستویی بر آن است که با فیلم‌هایی که گرفته شده است این مراسم به رویت مردم ایران برسد که چگونه از ارضی نقاط دنیا

وقایع اتفاقیه

انتقاد شبیانی از نحوه اکران «هیچ کجا هیچ کس»

کارگردان فیلم «هیچ کجا هیچ کس» از بنیاد سینمایی فارابی، سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران و نیز شورای صنفی نمایش برای نحوه اکران فیلمش انتقاد کرد. ابراهیم شبیانی در گفت‌وگو با ایسنا بیان کرد: برای اکران فیلم «هیچ کجا هیچ کس» چند اتفاق افتاده که به فیلم لطمه زده است. این در حالی است که «هیچ کجا هیچ کس» تنها فیلم بخش خصوصی روی پرده است و باید حمایت بیشتری از آن صورت گیرد.

تردید داودنژاد برای اکران «کلاس هنر پیشگی»

علیرضا داودنژاد گفت: فیلم «کلاس هنر پیشگی» با انتقاد به ستارگان و کلیشه‌های رایج تجاری، سیاسی ساخته نشده، بنابراین یک فیلم فرهنگی است. این کارگردان سینمای ایران در آستانه اکران عمومی فیلمش به ایسنا، ادامه داد: «کلاس هنر پیشگی» برای معرفی به تماشاگر خاص خودش به تبلیغات کافی محیطی و رسانه‌ای احتیاج دارد، حداقل در اندازه فیلم‌هایی که این روزها به واسطه حامی خاصی که دارند به طور وسیع امکان تبلیغ دارند. داودنژاد در عین حال گفت: اگر نتوانم تبلیغات مناسبی داشته باشم که فیلم امکان معرفی به تماشاگر خاص خودش را پیدا کند، مطمئن نیستم اکران یا عدم اکران فیلم به صلحت باشد چون موفقیت یا عدم موفقیت این نوع از فیلم‌ها معنادار است و می‌تواند روی وضعیت و تقویت سینمای بومی و ملی اثر داشته باشد. مطمئن هستم کسانی که علاقه‌ای به سینمای ملی ندارند و همان باز تولید کلیشه‌های رایج و سینمای منفعل و مقلد را می‌پسندند از شکست این نوع سینما بیشتر استقبال می‌کنند تا از موفقیتش.

عرعرض داودنژاد، کارگردان فیلم «کلاس هنر پیشگی»

تهران صاحب موزه پاناروما می شود

موزه پاناروما تهران با نمایش آثاری از ناصر یلنگی در محیطی دورانی و در یک گوی ۴۰ متری در باغ موزه دفاع مقدس افتتاح خواهد شد.
علی جبرفتی، معاون شرکت توسعه فضاهای فرهنگی شهرداری تهران درباره راه‌اندازی موزه پاناروما در تهران توضیح داد: موزه پاناروما تهران در باغ موزه دفاع مقدس در پارک طالقانی ساخته شده و تا آخر تابستان به بهره‌برداری خواهد رسید. وی افزود: یکی از گلایهایی که به ما می‌کردند کم‌توجهی به حوزه تجسمی در مقابل حوزه‌های سینما و تئاتر بود ولی ما در کنار ساخت پردیس‌های تئاتری و سینمایی همیشه به فکر هنر‌های تجسمی نیز بوده‌ایم.

عرعرض داودنژاد، کارگردان فیلم «کلاس هنر پیشگی»

مخالفات با انتشار کتاب محمود استادمحمد توسط یک ناشر

علی اصغر دشتی و مانا استادمحمد به منتشر نشدن کتاب محمود استادمحمد در زمان حیاتش اعتراض کردند و گفتند، هیچ‌یک از آثار این هنرمند فقید در انتشاراتی که قرار بوده این کتاب را منتشر کند (افراز)، منتشر نخواهند شد.

پانومیم بهرام ریحانی بر فراز قله دماوند

بهرام ریحانی هنرمند پانومیم کل ۲۷ مرداد ماه راهی قله دماوند می‌شود تا با اجرای نمایش جردیشد بر فراز بلندترین صحنه تئاتر جهان، یاد و خاطره سه کوهنورد ایرانی را گرامی بدارد. او به ایسنا گفت: نمایش ایماپی «تصور کن زیبایی ناب را» با هدف و به امید محو خشونت علیه کودکان و زنان در سراسر دنیا را در بلندترین صحنه نمایش جهان، قله دماوند، اجرا می‌کنم. طراح و بازیگر این اثر نمایشی اضافه کرد: این نمایش با مدت زمان چهار دقیقه و هفت ثانیه بر فراز قله دماوند و به عنوان بلندترین صحنه نمایش جهان با ارتفاع بیش از ۵۶۷۱ متر و با هدف جلب توجه افکار عمومی جهانیان نسبت به پایان دادن به خشونت علیه کودکان و زنان در سراسر جهان ویا آرزوی جهانی زیباتر و بهتر برای همه ساکنان سیاره زمین وشفکافی گل‌های صلح و دوستی برای همه انسان‌ها و صلح و دوستی مردم ایران دانست و افزود: این کوه می‌تواند به عنوان صحنه‌ای جهانی برای گسترش مفهوم صلح و دوستی بین همه مردم جهان تبدیل شود.

جواد مجابی:

وضعیت نشر کتاب خنده‌دار شده است

جواد مجابی با اشاره به وضعیت چاپ کتاب‌هایش، وضعیت موجود را برای فعالیت جوانان در عرصه فعالیت‌های فرهنگی نگران کننده خواند. این نویسنده در گفت‌وگو با ایسنا، با انتقاد از وضعیت ممیزی کتاب‌هایش، گفت: اگر رمان‌های اجتماعی به موقع و بدون سانسور منتشر شوند، هم تأثیر بسیار زیادی روی جامعه و مردم خواهند داشت و هم اینکه فکر و اندیشه نویسندگان به جامعه منتقل می‌شود؛ زیرا به همان من، رمان دقیقاً هم‌زمان با فلسفه به شناخت انسان از پیرامون، حقیقت، واقعیت و مسائل ملی و جهانی فرد و جامعه کمک می‌کند.

عرعرض داودنژاد، کارگردان فیلم «کلاس هنر پیشگی»

زادگاه آتاتورک در یونان موزه شد

در فضای اختلافات فرهنگی، سیاسی و رقابت‌های شدید همه جانبه میان دو کشور ترکیه و یونان، خانه آتاتورک در شهر تسالونیکی واقع در جنوب یونان بازسازی و به صورت موزه آماده دیدار با علاقه‌مندان به زندگی این شخصیت تاریخ ترکیه است. به گزارش خبرگزاری میراث فرهنگی، به نقل از حریت با پایان عملیات بازسازی و مرمّت خانه‌ای در تسالونیکی که زادگاه او است، اقدامات «مصطفی کمال آتاتورک» بود، این خانه توسط وزیر گردشگری و فرهنگ ترکیه افتتاح شد.عملیات بازسازی خانه زادگاه آتاتورک در «تسالونیکی» در پی شکایت مکرر وزیر فرهنگ ترکیه از خطر تخریب این اثر آغاز شد.

سالگرد جنگ ما در حد یک شو تلویزیونی شده است

بدون هیچ شعاری در آنجا جمع می‌شوند و اتفاقات خوبی می‌افتد که باید برای ملت ایران بازگو شود: «ما هشت سال به کشورمان حمله شد و با ابزار دفاع کردیم؛ اما چرا هنوز خیلی‌ها جنگ و مقاومت ما را نمی‌شناسند؟» به گزارش ایسنا، او عقیده دارد سالگرد جنگ ما در حد یک شو تلویزیونی شده است. «جایبازی داریم که هنوز در حال بال بال زدن هستند که نمونه‌هایی از آن‌ها در این سفر کنارمان داشتیم. این‌ها افراد عاشقی هستند که تنها عشق به وطن و اعتقادات آن‌ها را نگاه داشته است، دست مریزاد که دکتر خاطری و سروش که چنین فضایی را به وجود آوردند و امیدوارم تداوم داشته باشد.» او در پایان می‌گوید: «خوب است هفته دفاع مقدس را در یک روز به صورت جهانی برگزار کنیم.»

عرعرض داودنژاد، کارگردان فیلم «کلاس هنر پیشگی»

گفت‌وگوی «قانون» درباره آلبوم «قول و غزل» با نایب‌محمدی و حمید قنبری

داوری‌مان درباره موسیقی به خوشایند غربی‌ها وابسته است!



چرا در موسیقی ایرانی به עוד به عنوان ساز اصلی کمتر توجه شده‌است؟

سعید نایب‌محمدی: علت این‌که עוד در موسیقی معاصر ایران (منظور موسیقی صدسال اخیر) حضور کهرنگی داشته‌است، دلیل مشخصی ندارد. در کتاب‌های تاریخ موسیقی ما نیز مشخص نشده است که چرا با وجود اینکه עוד یک ساز مادر در حوزه موسیقی ایرانی-عربی-ترکی محسوب می‌شده، چگونه و چرا از موسیقی ایرانی حذف می‌شود و تنها در موسیقی عرسی و ترکی باقی می‌ماند. در کتاب بخش تحول موسیقی ایران نوشته ژان دورینگ به نقل از هنری جرج فارمر آمده است: «عود در دربار شاه صفی (قرن دهم هجری-قرن شانزدهم میلادی) مورد استفاده بوده است.» ولی بعد از آن نزدیک به سه قرن از عرصه موسیقی ایران حذف می‌شود.این‌که چگونه تا دوره قاجار تار با چنین جایگاهی در موسیقی ایران ظهور می‌کند حداقل برای من از مجهولات تاریخ موسیقی است. خوشبختانه در دوره معاصر با ظهور استادانی همچون نریمان و شهیدی این ساز احیا و کم‌کم به جایگاه اصلی‌اش نزدیک شده است. به گونه‌ای که شاهد پیدایش نسل به نسل نوازندگان עוד بدون وقفه بعد از ایشان هستیم. همین تسلسل تضمین بقا و پیشرفت این ساز است و من به جد معتقدم در آینده‌ای نه چندان دور خیلی بیشتر از این‌ها از این ساز خواهید شنید؛ کما اینکه تعداد آثار منتشر شده با محوریت سساز עוד اصلاً با ۲۰۳۰ سال گذشته قابل قیاس نیست.

درباره فضای آلبوم «قول و غزل» صحبت کنیم. آیا در این آلبوم به موسیقی مقامی رجوع شده‌است؟

نایب‌محمدی: درباره‌مقام نیز باید ابتدا به تعریف آن بپردازیم. مراد من از کلمه مقام که در دفترچه آلبوم نیز قید شده، مشخصاً به معنای یک اپنل صوتی است؛ یعنی یک فضای مدال، نه آنچه که در کشور ما از آن به عنوان موسیقی مقامی (نواحی) یاد می‌شود.البته در خود این ادعا که موسیقی نواحی را موسیقی مقامی می‌نامند، شبهه وجود دارد. به نظر



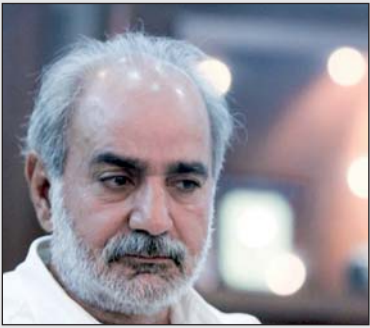
حمید قنبری:

گوش مخاطب ایرانی کمتر به تکنوازی עוד آشناست؛ بنابراین وقتی صدای عود را می‌شنود، ناخودآگاه یاد فضای عربی می‌افتد. شاید علتش این باشد که هر چه تکنوازی עוד گوش داده در قالب موسیقی عربی یا ترکی بوده است

می‌رسد تعریفی که ما از مقام داریم با تعریفی که در موسیقی عربی-ترکی از مقام می‌شود، همخوانی ندارد.البته از آنجا که تخصصی در موسیقی نواحی ندارم، سعی می‌کنم با احتیاط در این مورد اظهار نظر کنم. با همه این تفاسیر، در این آلبوم سعی داشتیم بازگشتی داشته باشیم به آن نظامی که در گذشته داشتیم؛ یعنی خیلی آزادانه برخورد کردن با سیستم مدال؛ با آن خصوصیتی که مقام‌نوازی در موسیقی عربی-ترکی دارد. اینگونه نیست که من مقام ترکی یا عربی زده باشم، بلکه مقام‌های خودمان را اجرا کردم. برای مثال چهارگاه و… اما آن ساختارهای صوتی کوچکی که استاندارد موسیقی دستگاهی ماست ممکن است در آن شنیده نشود. برای مثال، در موسیقی دستگاهی در دستگاه چهارگاه کاملاً مشخص است که از کجا باید در آمد چهارگاه آغاز شود؛ ولی در این آلبوم در آمد چهارگاه به معنای کلاسیک آن شنیده نمی‌شود.

به نظر می‌رسد که قطعات در این آلبوم به فضای موسیقی عربی نزدیک می‌شود؟

حمید قنبری: گوش مخاطب ایرانی کمتر به تکنوازی עוד آشناست؛ بنابراین وقتی صدای عود را می‌شنود، ناخودآگاه یاد فضای عربی می‌افتد. شاید



سعید محمد قنبری آتوران

باز هم به آلبوم قول و غزل برگردیم. همکاری شما در این آلبوم، چگونه شکل گرفت و چه شد که از دو تمبک در قطعات استفاده شد؟

قنبری: دوستی ما به مدت‌ها پیش بازمی‌گردد. با این همه، پیش از سال ۸۵ با همدیگر به شکل دهنوازی کار نکرده بودیم. سال ۲۰۰۶ میلادی جشنواره‌ای در عمان برگزار شد که گردهمایی عودنوازان سراسر دنیا بود. از هر کشوری عودنوازانی دعوت شده بودند. برای اجرا در آن جشنواره با هم تمرین کردیم. در عمان خیلی از اجزای ما استقبال شد. حتی خود دبیر همیشش تعجب کرده بود و انتظار چنین اجزایی از نوازندگان ایرانی نداشت. نکته دیگری که وجود داشت این بود که هیچ یک از نوازندگان را ساز کوپه‌ای همراهی نمی‌کرد و این خود باعث توجه بیشتری به ما شد. به هر حال، اصلاً توقع نداشتند که در ایران עוד را چنین نوازند، با تکنیک‌هایی که آن‌ها نمونه آن را نداشتند.

نایب‌محمدی: این داستان به صورت مفصل‌تر در دفترچه آلبوم «نظم و نثر» که همان کنسرت عمان بود که بعداً آن را ضبط کردیم، به قلم دبیر همان جشنواره، دکتر محمود قفاط، روایت شده است.

قنبری: همین اتفاق، آغاز همکاری‌های بعدی ما را رقم زد. سال ۸۶ آلبوم نظم و نثر را ضبط کردیم. در آلبوم بعدی از سعید خواستیم که بخش کوپه‌ای کار پررنگ‌تر باشد که او هم استقبال کرد. از آقای خاورزمینی که دلیل سابقه همکاری‌ای که با ما داشتیم دعوت کردیم که ما را در این آلبوم همراهی کند؛ چون در ایران زندگی نمی‌کند، منتظر فرصتی بودیم که به ایران بیاید تا بتوانیم با او تمرین کنیم. همین مسئله دلیل شد که امکانشمان را نیز دقیق‌تر کنیم. به هر حال، حاصل این همکاری در آلبوم قول و غزل و بخش دوم کنسرت نیلوران در دسترس است و باید منتظر نظر و قضاوت مخاطبان و منتقدان بود.

نکته‌ای که در پایان فکرمی می‌کنید باید افزود؟



سعید نایب‌محمدی:

در برابر کشور های غربی کاملاً دست و پا بسته ایم. برای مثال در نظر بگیرید، تا یک موسیقی یا موسیقیدان از هند به غرب نرود و در آنجا مطرح نشود، به زحمت می‌تواند توجه ما را در اینجا به خود جلب کند. مثلاً راوی شاناکار

نایب‌محمدی: ارزش‌های سولیستی (تکنوازی) حمید و پندرام محفوظا؛ اما مهم‌ترین شاخصه‌شان درکی است که این دو از خط مولودی برای همراهی با ساز مولودیک دارند و این ویژگی در کمتر نوازنده ساز کوپه‌ای پیدایمی‌شود.

قنبری: باید به جمله‌بندی‌های تنبک‌ها در قطعات آلبوم اشاره کنم؛ جمله‌بندی‌هایی که از قبل تمرین نشده‌است؛ یعنی ویژگی‌های ریتمیک کار کاملاً مشخص است. معمولاً بیشتر هنرمندانی که کار کوپه‌ای می‌کنند، اگر دو سه اجزای آن‌ها ببینند، متوجه می‌شوند که اجراها با یکدیگر فرق می‌کنند؛ چرا که جمله‌بندی متفاوت است؛ اما در این کار جملات ریتمیک کاملاً مشخص شده؛ یعنی عین فضاهای مولودیک در بخش ریتمیک هم اتفاق می‌افتد. به عبارت دیگر، در اجرای دوباره کنسرت، تفاوت آنچنانی در آن نخواهد دید و چهارچوب کلی کار بداهه نیست. این مسئله چیزی است که به آن

قنبری: این موضوع بیشتر به سرمایه‌گذاری موسیقی برمی‌گردد؛ در واقع می‌توان در این بخش سرمایه‌گذاری بیشتری کرد که تاکنون چنین اقدامی صورت گرفته‌است. با این همه، ژانرهای مختلف موسیقی باید در جامعه وجود داشته باشد که مخاطب اگر خواست بتواند به آن‌ها گوش کند. نایب‌محمدی: اشتباه نشود، حلاً ممکن است بعداً از این مصاحبه خیلی‌ها برچسب موسیقی عربی یا ترکی به ما بزنند که خیلی‌ها هم نیست.منظور اصلی من این است چرا وقتی ما یا سیتار یا تابلان کلاسیک می‌دهیم، خوب است، ولی اگر با دروک یا ماکسانی عربی باشدید؟ کلام یک از این‌ها به ما نزدیک‌ترند؟

قانون

یکشنبه ۲۷ مرداد ۱۳۹۲ | ۱۰ شوال ۱۴۳۴ | ۱۸ اوت ۲۰۱۳

سال اول | شماره ۲۲۱ | صفحه

درنگ

چه کسی می‌خواهد من و تو، ما نشویم؟



احمد طیبی

زبان و ادب فارسی، صرف نظر از غنای محتوایی، ویژگی‌های زبان شناختی و پیشینه تاریخی و جغرافیایی آن، میثاق ملی همه ایرانیان و حتی فارسی‌زبانان جهان است. عاملی که می‌تواند وفاقی و همدلی ما را استحکام بخشد و تمامیت ارضی و یکپارچگی جغرافیایی میهنمان را تضمین کند. با وجود این، چرا این میثاق ملی و عامل حفظ وفاقی و ضامن یکپارچگی ما، سال‌هاست که به پلنه‌های مختلف و دهان‌پرکن و با شیوه‌ها و ابزار گوناگون، مورد هجوم و تاخت و تاز قرار می‌گیرد؟

البته پاسخ به این پرسش، چندان دشوار نیست! قدرت‌های استعماری که در طول تاریخ، همواره کوشیده‌اند تا از جیب ممالک دیگر بر دنیا، آقایی کنند، منافع کوتاه‌مدت و درازمدت خود را در تکه تکه کردن این قدرتها که در صورت مستقیم یا غیرمستقیم، در هر گوشه این جهان پهناور و به وقوع پیوسته است، ببینازیم، برای ثبت و ضبط آن مثنوی هفتاد من کافذ هم جواگو نیستا!

با این همه، ذکر چند نمونه نزدیک‌تر و مهم‌تر، چندان خالی از فایده نخواهد بود، که به قول مولانای بزرگ: «آب دریا را اگر نتوان کشید / هم به قدر تشنگی باید چشید.» در دوره فتحعلی‌شاه قاجار، روسیه تزاری به اشغال بخش‌هایی از خاک ایران از جمله گرجستان دست زد و این سرآغاز وقوع جنگ‌هایی بین دو کشور شد که سرانجام با امضای دو قرارداد ننگین گلستان و ترکمانچای، سرزمین‌های قفقاز از خاک ایران جدا و به تصرف روسیه درآمد. هم‌زمان با حکمرانی ناصرالدین شاه قاجار، نیروهای انگلیسی با اشغال بخش‌هایی از جنوب ایران، دولت مرکزی را وادار به چشم‌پوشی از حق مالکیت خود بر هرات و نیز به رسمیت شناختن کشور افغانستان کردند.امپراتوری بزرگ عثمانی نیز در پی شکست در جنگ جهانی اول، توسط دولت‌های استعماری تجزیه شد…

و آنچه که بیش از واقعه تجزیه یک کشور اهمیت دارد، سرنوشتی است که برای حکومت‌ها و مردمان بر جای مانده از تجزیه و به تکه پاره شدن سرزمین مادری، رقم می‌خورد. شاید بهترین و ترس‌نشین تصویر از این تقدیر شوم را بتوان در سیمای ممالک جدا شده از خاک ایران و عثمانی دید، سرزمین‌هایی به غایت سرشار و مستعد، اما گرفتار در چنبره سیاست‌های استعماری.

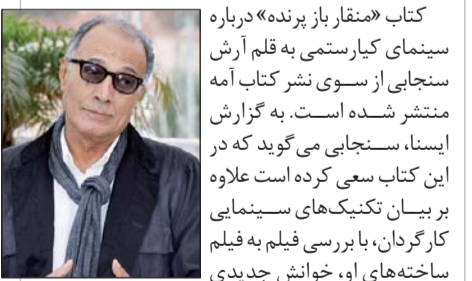
با این حال، در این روزگار، شکل بازی تغییر یافته است. دیگر نوشتن کپی نظامی و اشغال یک سرزمین، به راحتی گشته نیست. پس لاجرم، قواعد بازی باید متناسب با شرایط، تغییر کند. اینجااست که بحث سرمایه‌گذاری بر ارقام مطرح می‌شود. همان نقشه‌ای که نشانه‌های آن را در یک قرن اخیر در جای جای سرزمین پهناورمان دیده و می‌بینیم. البته برای نیل به این هدف، ابزار و شیوه‌ها بسیار متنوع و رنگارنگ‌اند اما کارآمدترین و کم‌هزینه‌ترین این ابزار و روش‌ها چیست؟ بی‌تردید، گسستن ابتدایی‌ترین شیوه برادری از مبایط اقامت گوناگون ایرانی که همان زبان و ادبیات مشترک است.

و زده آنان که این خواب‌های آشفته را برای ایران و ایرانیان دیده‌اند، چه بهتر آنکه آمال و آرزوهایشان از حلقوم تنی چند از میان همین اقوام بیرون آید که غافل از پیامدهای شوم و خطرناک این ادعاها، به خیال خود در پی احقاق حقوق نامردانه‌ای شده خویشند، اما خوشتر آن است که زبان حال ایشان را از زبان شیخ اجل سعدی شیرین سخن بیان کنیم: «یکی بر سر شاخ و بن می‌برد / خداوند بستان، نظر کرد و دید / بگفتا که آیین مرد، بد می‌کند / نه بر من، که بر نفس خود می‌کند»

فراوش تکنیم که این سرزمین، در طول تاریخ، مصایب و تلخی‌هایی به مراتب سخت‌تر و جانکاه‌تر از امروز به خود دیده است؛ اما شیر مردان و شیر زنان این دیار از هر قوم و آیینی، فرهنگ و سنت‌های اصیل خود را که نماد و نمود آن در زبان و ادب فارسی متجلی است، حفظ کرده‌اند و حاضر به قبول هیچ زبان بیگانه‌ای، از تازی و مغولی گرفته تا انگلیسی و روسی و… نشده‌اند. مردمی که به راستی زبان گذشته و حال و آینده‌شان متبلور در این بیت است: «هن آنم که در پای خوکان نریم / م‌ر این قیمتی در لفظ دری راه» / ایدون باد.

پیشخوان

بررسی سینمای عباس کیارستمی در یک کتاب



کتاب «منقار باز برنده» درباره سینمای کیارستمی به قلم آرش سنجابی از سوی نشر کتاب آمه منتشر شده است. به گزارش ایسنا، سنجابی می‌گوید که در این کتاب همچون او، خوانش جدیدی از آثارش را به مخاطب ارائه کند. او تأکید دارد که در این تکذیب این سینماگر نیست. به قلم این نویسنده، در این مجموعه پیش‌تر کتاب «تراولینگ به گوسفندان واژگون» در بررسی سینمای تنو آنجلو پولوس» منتشر شده است. او در توضیحی می‌گوید: من در پی بررسی سینماگرانی هستم که به نوعی آثارشان در فضای نقد خلاق و جدی ایران مهجور مانده است. آن‌ها مجموعه پنج مجلد خواهد بود. کتاب عباس کیارستمی یکی از آن‌هاست و قبل از چاپ اثر را برایش نفرستادم تا آن فاصله بین سینماگر و منتقد حفظ شود. آقای کیارستمی در جریان تألیف کتاب کرده بود، اما در فرایند نوشتن کتاب بر من هیچ اثری نداشت. خوانش من در این کتاب از سینمای کیارستمی با نگاه مازیار اسلامی در کتابش درباره این سینماگر تقابل دارد.